

جریان راست نمی‌خواهد بفهمد که نظارت استصوابی همچون چادر اکسیژن بیمارستان آن‌ها را دربر گرفته است و چنانچه رخنه‌ای در آن اتاق ایجاد شود، همگی دچار انواع امراض و حتی خفقان خواهند شد.

رئیس جمهور به بسیاری از وعده‌هایش عمل نکرد؛



به گزارش اسپاداناخبر، سعید حجاریان تحلیل‌گر شاخص جناح دوم خرداد در بخشی از مصاحبه کتبی اش با خبرگزاری تسنیم گفته است: با دکتر روحانی عقدی - به صورت ائتلاف - نبسته بودیم. ایشان وعده‌هایی به مردم دادند و مردم هم به دلیل همان وعده‌ها پای صندوق رأی رفتند. دفاع ما، براساس همین وعده‌ها بود و نه خواسته‌های حداکثری خودمان. گزیده ای از مشروح این گفتگوی کتبی را خواهید خواند: - ما با دکتر روحانی عقدی - به صورت ائتلاف - نبسته بودیم. ایشان وعده‌هایی به مردم دادند و مردم هم به دلیل همان وعده‌ها پای صندوق رأی رفتند. دفاع ما، براساس همین وعده‌ها بود و نه خواسته‌های حداکثری خودمان. اما، ایشان به بسیاری از وعده‌هایش یا نخواست یا نتوانست عمل کند و فی‌الواقع زمانیکه از خود عبور کرد، طبعاً بخشی از اصلاح‌طلبان هم ناگزیر با ایشان زاویه پیدا کردند. - اصلاح‌طلبان افراد پاکدست و مجرب فراوانی دارند و هر یک از آن‌ها به تنهایی یک سر و گردن بالاتر از رئیس کابینه دولت معجزه هستند. عملکرد آن رئیس کاری کرد تا سال‌ها جریان راست به محاق برود و ده جمنای دیگر نمی‌تواند جمعاً شود. من معتقدم، اگر نظارت استصوابی نبود، اصلاح‌طلبان با افرادی به مراتب بهتر از دکتر روحانی و دکتر عارف به انتخابات وارد می‌شدند و رأی هم می‌گرفتند. متأسفانه جریان راست نمی‌خواهد بفهمد، نظارت استصوابی همچون چادر اکسیژن بیمارستان آن‌ها را دربر گرفته است و چنانچه رخنه‌ای در آن اتاق ایجاد شود، همگی دچار انواع امراض و حتی خفقان خواهند شد. حضرت امیر در یکی از نامه‌های خود می‌گوید: **إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا وَ الرَّوَّاعِ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَ الثَّائِبَاتُ الْعَدِيَّةُ أَقْوَى وَ قُودًا وَ أَبْطَأُ حُمُودًا**. یعنی، بدانید درختان بیابانی چوبشان سخت‌تر، و درختان سرسبز پوستشان نازک‌تر، و گیاهان صحرائی آتششان قوی‌تر، و خاموشی آنها دیرتر است. - توجه کنید، جریان اصلاحات سختی‌های فراوان کشیده است و توان تحمل هر باری را دارد اما بسیاری از اصول‌گرایان در کنار جوی‌های رانت و در شرایط گلخانه‌ای رشد کرده‌اند و باید ببینیم در یکی روز طوفانی از خود جنمی نشان خواهند داد یا خیر. لازم به توضیح است، انتخابات شورای شهر هم بی‌مشکل نبوده و رد صلاحیت در آنجا هم برقرار بوده و نیروهای غیرمسئول نقش‌آفرینی کرده و افراد زیادی را به علت سابقه سیاسی رد صلاحیت کردند. واقعیت این است، عده‌ای در ایران به خود قپه و سردوشی می‌دهند و اصلاح‌طلبان را از دم ستاره‌دار کرده‌اند. از این گذشته، من معتقدم اگر ترازنامه کار شهردار دوازده‌ساله تهران روزی روشن شود، همه خواهند دید، چه بلایی سر شهر آمده است؛ حول و حوش قائم‌مقام وی حرف و حدیث بسیار و تحقیق و تفحص از آن دوره درخشان معلق مانده است! - اصلاح‌طلبان هر یک به تنهایی اهل ایده‌پردازی هستند لذا برعکس جریان راست، ولایت‌پذیر نیستند، پس وجود اختلاف میان آن‌ها طبیعی است. ولی اصلاح‌طلبان در میان خود مکانیزم‌های حل اختلاف را پیدا کرده‌اند. از آن گذشته، فرض کنید اصلاح‌طلبان نتوانند و اساساً از صحنه روزگار حذف شوند. آیا جریان راست به تنهایی می‌تواند کشور را اداره کند؟ زمانیکه روزنامه‌های اصلاح‌طلب به طور فله‌ای توقیف شدند، توضیح دادیم، با بستن روزنامه‌های ما کسی به سمت جناح راست میل نمی‌کند بلکه به سمت گزینه‌های دیگر می‌روند. به قول سعدی، «کس نیاید به زیر سایه بوم / ور همای از جهان شود معدوم» اما درباره فقر اجرا؛ شما کارنامه سید محمد خاتمی را ملاحظه کنید. به‌گواهی آمار، شکوفاترین دوره مربوط به دوره اصلاحات است به‌رغم آنکه ایشان شعار زیر و زیر کردن اقتصاد سر نداد. در زمان مهندس موسوی هم با همه مشکلات کشور اداره شد، لذا فقر اجرا گزاره‌ای بی‌معناست یا درباره جریان اصلاحات مصداق ندارد. - اصلاح‌طلبان بعد از وقایع 88 نمی‌توانستند شعارهای حداکثری خود را مطرح کنند لذا به حداقل‌ها تن دادند و به پروژه برجام - که پروژه اعتدالی بود - روی آوردند. به امید آنکه این پروژه، شرایط را عادی کند. اما، بعضی از دوستان اصلاح‌طلب ما، کماکان معتقدند اصلاح‌طلبان نباید در آن مقطع سرنوشت خود را به اعتدالیون گره می‌زدند و باید هویت خود را حفظ می‌کردند. - اساساً مخالفتی با پراگماتیسم ندارم و آن را صد مرتبه شرافتمندانه‌تر از اپورتونیسم می‌دانم. پراگماتیسم یعنی عمل به مقتضیات زمان و سیاست‌ورزی در دایره ممکنات. من درباره سال 1400 فکر نمی‌کنم زیرا در ایران، برنامه بلندمدت شش‌ماهه است! لذا معتقدم تا 1400 راه

درازی در پیش داریم. فرض کنیم، طی این مدت ائتلافی علیه ایران شکل بگیرد و خدای ناکرده به ما حمله نظامی بشود. آنگاه قاعدتاً اصلاح‌طلبان مانند هر فرد میهن‌دوست دیگری تحت لوای بهترین فرمانده نظامی - که بتواند بقای این سرزمین را حفظ کند- خواهند رفت. - هر کسی می‌خواهد به پاستور برود، باید پاستوریزه شود. من هیچ یک از رؤسای جمهور ایران را از این قاعده مستثنی نمی‌کنم. اما در دل محدودیت‌ها جاری، گشایش هم صورت می‌گیرد. مگر از دل نظارت استصوابی، مجلس ششم متولد نشد؟! فشار جنبش اصلاحات، استصواب را تعدیل کرد والا به ذهن کسی خطور نمی‌کرد، آقایان نبوی و خاتمی نواب رئیس مجلس بشوند. در پایان بگویم، من قائل به انسداد نیستم و معتقدم روزه‌های زیادی پیش روی جریان اصلاحات است و اطمینان دارم، راه نجات کشور از طریق اصلاحات می‌گذرد. منتهی اصلاحات با تعریفی که به کرات توضیح‌اش داده و اجزایش را تبیین کرده‌ام.

برچسب‌ها: [اصلاح طلبان](#) [1]

[براندازی](#) [2]